



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۸ دی ۱۳۹۳

مصادف با: ۲۶ ربیع الاول ۱۴۳۶

جلسه: ۱۲

موضوع کلی: روش‌های تفسیری

موضوع جزئی: روش تفسیری علمی - ادله مخالفین

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

دلیل سوم

تالی فاسدهایی بر روش تفسیری علمی مترتب می‌شود که یکی از آنها تفسیر به رأی است، یعنی اگر کسی با این روش تفسیری قرآن را تفسیر کند در موارد زیادی منجر به تفسیر به رأی خواهد شد چون وقتی کسی در صدد باشد مثلاً بر اساس یافته‌های علوم طبیعی یا علوم انسانی جدید، چیزی را از قرآن استخراج کند یا نظریه‌ای را بر قرآن تطبیق دهد قهراً منجر به تفسیر به رأی خواهد شد؛ زیرا نهایت تلاش و کوشش خود را برای هماهنگ‌سازی بین قرآن و یافته‌های خود به کار می‌گیرد و چه بسا کسی تخصص لازم را در این رابطه نداشته باشد و صرفاً به عنوان آشنایی و احاطه‌ای که به علوم دارد به این هماهنگ‌سازی اقدام کند کما اینکه این اتفاق افتاده است یعنی ما می‌بینیم کسانی را که به فضای تفسیر قرآن وارد شده‌اند و به بعضی از رشته‌های علوم طبیعی آشنایی داشته ولی از مقدماتی که باید برای تفسیر قرآن از آن بهره‌مند باشند دور بوده‌اند، یعنی تخصص علمی داشته‌اند ولی تخصصی در تفسیر نداشته‌اند. پس نمونه‌های زیادی از مسلمانانی که با انگیزه‌های سالم ولی بدون احاطه و اطلاع کافی از دانش تفسیر به فضای تفسیر علمی وارد شده‌اند، وجود دارند که قرآن را تفسیر به رأی کرده‌اند. در واقع این دلیل نه به عنوان یک لازمه عقلی یا عادی بلکه با اتکاء به آنچه در خارج تحقق پیدا کرده و مشاهدات نسبت به کسانی که در مسیر تفسیر علمی گام برداشته‌اند، می‌خواهد بگوید ما نتایجی که از روش تفسیری علمی مشاهده کرده‌ایم این بوده که در موارد متعدد، کسانی که به تفسیر علمی پرداخته‌اند دچار تفسیر به رأی شده‌اند.

بررسی دلیل سوم

این دلیل ناتمام است؛ زیرا وقتی سخن از روش تفسیر علمی به میان می‌آید در واقع بحث ما بر این اساس استوار است که کسی با بهره‌مندی از دانش تفسیر و تخصص لازم برای تفسیر در کنار احاطه یا اطلاعی که به مسائل علمی دارد، بخواهد قرآن را تفسیر کند. اینکه ما می‌بینیم کسانی در فضای تفسیر علمی وارد شده و به خطا رفته‌اند و آیات قرآن را تفسیر به رأی کرده‌اند دلیل بر نادرستی تفسیر علمی نیست چون در روش تفسیر نقلی یا اجتهادی هم ممکن است این اتفاق بیفتد، کما اینکه این اتفاق افتاده است و کسانی از روش تفسیری نقلی استفاده کرده‌اند اما چون احاطه کامل نداشته‌اند راه را اشتباه رفته‌اند، در روش تفسیر اجتهادی هم همین اتفاق افتاده است، حال اگر در عالم واقع و خارج کسانی گرفتار تفسیر به رأی شوند دلیل بر نادرستی روش تفسیری نقلی یا اجتهادی نیست. لذا در رابطه با روش تفسیری علمی هم مطلب از همین قرار است.

بله! روش تفسیری علمی با روش‌های نقلی و اجتهادی از این جهت متفاوت است که ممکن است ادعا شود در روش تفسیری علمی امکان تفسیر به رأی و خطا و اشتباه از روش‌های تفسیری نقلی و اجتهادی بیشتر است. این مطلب قابل قبول است که

وسوسه تفسیر به رأی در روش تفسیری علمی بیش از تفسیر نقلی و اجتهادی است اما در عین حال این مطلب نمی‌تواند دلیل بر مخالفت با روش تفسیری علمی به نحو کلی، قلمداد شود و ما نمی‌توانیم این روش تفسیری را به طور کلی نفی کنیم بلکه نهایت چیزی که می‌توان گفت این است که بگوییم روش تفسیری علمی روشی است که با شرایط و مقدمات خاصی قابل قبول است.

دلیل چهارم

تالی فاسد دیگر این است که روش تفسیری علمی در واقع راه را برای سوء استفاده مغرضین و کسانی که به نوعی در صددند از قرآن سوء استفاده کنند یا به نوعی در صدد انکار قرآن می‌باشند، فراهم می‌کند، چون چه بسا این افراد در قالب تفسیر علمی بخواهند عقاید و نظریات خاص خود را به قرآن تحمیل کنند. پس نفس اینکه روش تفسیری علمی می‌تواند منفذی برای سوء استفاده مغرضین از قرآن باشد اقتضا می‌کند این روش تفسیری را رد کنیم، چون ما باید باب این منفذ را بر روی مغرضین و کسانی که در صددند به نوعی از این روش تفسیری سوء استفاده کنند، ببندیم و بهترین راه برای بستن راه این افراد این است که به نحو کلی روش تفسیری علمی را کنار بگذاریم.

بررسی دلیل چهارم

این دلیل هم ناتمام است زیرا گاهی اساس یک طریق بر خطا و اشتباه استوار شده و آن طریق فی‌نفسه قابل قبول نیست مثل اینکه کسی بخواهد از عقل ظنی برای تفسیر قرآن استفاده کند که باید جلو آن گرفته شود و باب عقل ظنی در تفسیر مسدود شود چون اساس این راه بر خطا و اشتباه استوار است اما گاهی طریقی که مورد استفاده قرار گرفته فی‌نفسه خطا و اشتباه ندارد اما امکان سوء استفاده از آن وجود دارد که در این صورت نمی‌توان آن طریق و راه را مسدود کرد. روش تفسیری علمی هم از این قبیل است یعنی بر اشتباه و خطا استوار نیست لکن امکان سوء استفاده از آن وجود دارد ولی صرف امکان سوء استفاده دلیل بر بطلان این روش نمی‌شود چون اگر صرف امکان سوء استفاده دلیل بر بطلان باشد این امکان در سایر روش‌های تفسیری (روش نقلی و اجتهادی) هم وجود دارد لذا باید آن روش‌ها هم باطل باشد در صورتی که این‌گونه نیست.

دلیل پنجم

یکی دیگر از تالی فاسدهایی که بر روش تفسیری علمی مترتب می‌شود این است که روش تفسیری علمی به تأویل غیر جایز منجر می‌شود - تأویل یعنی حمل آیات بر خلاف ظواهرشان، به این معنی که در تبیین آیات قرآن از حدود ظواهر آیات تجاوز شود و معنایی بر خلاف ظاهر آیه برای آن ذکر شود، تأویل فقط برای کسانی مثل اهل بیت (ع) جایز است که با قرآن آشنایی کامل داشته باشند - یعنی گاهی ممکن است ظاهر یک آیه‌ای را که حتی از نظر عرف با مدعای آنها سازگار نیست با تأویل بر نظریه خود منطبق کنند، پس نتیجه پذیرفتن روش تفسیری علمی این است که باب تأویل غیر جایز مفتوح شود.

نکته: اینکه کسی با دقت در معنای آیه‌ای نکات ظریف و دقیقی را استخراج کند تأویل نیست چون با ظاهر آیه مخالف نیست بلکه معنایی دقیق و ظریف است که با نظر ابتدایی از آیه فهمیده نمی‌شود.

بررسی دلیل پنجم

این دلیل هم ناتمام است چون نهایت چیزی که این دلیل اثبات می‌کند امکان تحقق تأویل است نه اینکه روش تفسیری علمی حتماً به تأویل منجر می‌شود. بله! اگر مستدل می‌توانست اثبات کند که روش تفسیری علمی ضرورتاً به تأویل منجر می‌شود

دلیلی که ارائه شد قابل قبول بود و نتیجه‌اش این می‌شد که روش تفسیری علمی از اساس مشکل است و ناتمام است ولی سخن در این است که این دلیل بالضروره منجر به تأویل نمی‌شود لذا به صرف اینکه ممکن است کسانی از این روش سوء استفاده کنند و آیات را تأویل کنند دلیل بر رد این روش تفسیری نمی‌باشد. نهایت چیزی که باید رعایت شود این است که مراقبت صورت گیرد تا منجر به تأویل نشود. از جمله تأویلاتی که درباره قرآن صورت گرفته این است که بعضی اشخاص درباره نظریه تکامل داروین، آیاتی را که مطابق با این نظریه بود اخذ می‌کردند اما آیات دیگر را که به نوعی با این نظریه موافق نبود تأویل می‌کردند، یعنی با اینکه ظاهر آن آیات نظریه داروین را رد می‌کرد لکن آن آیات را تأویل می‌کردند تا موافق نظریه داروین باشد.

دلیل ششم

روش تفسیری علمی تابع هیچ ضابطه و ملاکی نیست یعنی چارچوبی وجود ندارد که قرآن بر اساس آن چارچوب تفسیر شود بلکه این روش تفسیری عمدتاً یک روش ذوقی است و این روش به هرج و مرج در تفسیر قرآن منجر خواهد شد و تفسیر از مسیر صحیحی که باید داشته باشد خارج خواهد شد لذا با توجه به اینکه روش تفسیری علمی ضابطه مشخصی ندارد، نمی‌توان آن را اخذ کرد و این روش قابل قبول نیست.

بررسی دلیل ششم

این دلیل هم رأساً نمی‌تواند روش تفسیری علمی را نفی کند چون ذوق انسان تا حدودی در همه روش‌های تفسیری دخالت دارد و این مطلب قابل انکار نیست و این‌گونه نیست که فقط روش تفسیری علمی ذوقی باشد و ذوق در بقیه روش‌های تفسیری دخالتی نداشته باشد. اما اینکه گفته شد روش تفسیری علمی هیچ ضابطه مشخصی ندارد قابل قبول نیست چون مسلم است که روش تفسیری علمی چارچوب مشخص و حد و مرز معینی دارد زیرا ما می‌گوییم کسانی باید به این روش تفسیری مبادرت ورزند که دانش تفسیر قرآن را داشته باشند و از مقدماتی که برای تفسیر قرآن لازم است برخوردار باشند و به مسائل علمی هم آشنایی داشته باشند و بدانند که با کدام یک از ابزار علمی و قواعد و قوانین علمی می‌توان قرآن را تفسیر کرد یا مطلبی را از قرآن استخراج کرد و باید بدانند که با قواعد غیر قطعی نمی‌توان قرآن را تفسیر کرد. لذا ادعای اینکه روش تفسیری علمی، روشی بدون ضابطه است که به هرج و مرج در تفسیر منجر می‌شود، مردود است.

بحث جلسه آینده: بقیه ادله مخالفین روش تفسیری علمی را ان شاء الله در جلسه آینده عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»